

ناکارآمدن نشان دادن دولت مورد حمایت اصلاح طلبان برد اصولگرایان نیست و تلاش برای حذف آن ها برای اصولگرایان ناکامی بزرگی خواهد بود.

نگرانی اصلاح طلبان و بی خیالی اصولگرایان؛



پس از سخنان سید محمد خاتمی، رئیس جمهور اسبق در واکنش به ناآرامی های ماه گذشته در کشور در فضای مجازی، هشتک #براندازم و #براندازی، راه افتاده است. رئیس جمهور اسبق در آن سخنرانی گفته بود، اصلاح طلبان باید صف خود را از جریان برانداز جمهوری اسلامی جدا کنند؛ عبارتی که مخالفان وی با هشتک های مذکور به آن واکنش نشان دادند.

به گزارش اسپادانا خبر، تا کنون تحلیل های متفاوتی درباره راه اندازی این توفان توئیتری توسط فعالان فضای مجازی و رسانه ای ایرانی شده که وجه مشترک عمده آنها، اصرار بر ساختگی بودن حساب های کاربری انبوه بسیاری از این مبلغان هشتک #براندازم از یک سوست و از سوی دیگر، تأکید فراوانی وجود دارد که تحلیل محتوای پیام هایی که این حساب های توئیتری با هشتک مذکور می گذارند، نشان دهنده این است که برخی از این حساب ها، ادبیات سازمان مجاهدین خلق را استفاده می کنند؛ موضوعی که در نتیجه گیری به این عبارت می رسد که این حساب های جعلی یا تازه تأسیس با انتقال محتوای مورد نظر سازمان مجاهدین خلق، ساخته و پرداخته این سازمان است و یا حداقل با راهبری این سازمان، در حال انجام است.

اینکه در این میان، افرادی هم بدون وابستگی به این سازمان و به صورت مستقل و برای نشان دادن مخالفت خود با نظام، به این کمپین پیوسته باشند هم بسیار محتمل است؛ اما تحلیل ها از تلاش این سازمان برای ایجاد و راهبری این کمپین می گویند.

فارغ از تحلیل ها درباره شکل گیری هشتک #براندازم، واکنش جریانات سیاسی کشور به این موضوع، دریچه هایی برای اندیشیدن به میزان دغدغه مندی آنان به آینده کشور را فراهم می کند.

بدون تردید، حضور داوطلبانه اصلاح طلبان در فضای مجازی از حضور سازمان یافته اصولگرایان در این فضا از لحاظ کمی و کیفی، نمود بیشتری دارد. از آنجا که هشتک براندازم هم واکنشی به درخواست رهبر اصلاحات برای خط کشی این جریان با براندازها بوده است، مخاطب اصلی و اولیه این هشتک ها، اصلاح طلبان هستند؛ اما کیست که نداند براندازی برای اصولگرایانی که در این سال ها از سفره انقلاب بهره های وافری برده اند، باید سهمگین تر جلوه کند.

فعالان سیاسی و رسانه ای اصلاح طلب در توئیتر و صفحات دیگر در دنیای مجازی با دو کلید واژه به مخالفت با این ایده براندازم برخاسته اند. آنان با هر گونه توسل به خشونت که براندازها از آن صحبت می کنند، مخالفت کرده اند و از سویی هم با هر گونه دخالت خارجی در کشور نیز به مقابله برخاسته اند؛ نسخه ای که بیشتر برای سوریه پیچیده شد و اوضاع این کشور را به اینجا رساند؛ استفاده از خشونت و دخالت خارجی؛ وضعیتی که اکنون دیگر با عنوان سوریه ای شدن کشور شناخته می شود. معضلی که اکنون اصلاح طلبان با آن مواجه شده اند این است که آیا برای جلوگیری از سوریه ای شدن ایران یا ممانعت از خشونت و دخالت خارجی در ایران، لازم است به همین سطحی از اصلاحات که دولت اعتدال در حال انجام آن است، رضایت داد؟ آیا این رضایت جنبش اصلاحات را به محافظه کاری نمی کشاند؟ آیا نابودی جریان اصلاحات را به دنبال نخواهد داشت؟

اصولگرایان در مقابل، واکنش چندان مؤثری به هشتگ براندازم از خود نشان نمی دهند. شاید از ایجاد چنین توفان توئیتری برای آسیب وارد کردن به اصلاحات هم استفاده می کنند و بدنه اصلاحات را برانداز تلقی می کنند؛ حتی از شدت و حدت این اعتراضات هم برای ضربه زدن به دولت استفاده می کنند و با کاهش سطح انتظارات و اعتراضات مردم از عرصه های سیاسی با عرصه های اقتصادی صرف، به نوعی بی تمایل نیستند که به آن هم دامن بزنند! غافل از اینکه تحلیل محتوای شعارهای مطرح در اعتراضات با درصد بسیار بالاتری، شعارهای سیاسی و در نفی حاکمیت است؛ غافل از اینکه اگر آنان امروز کوبیدن بر طبل نارضایتی اقتصادی را تشویق کنند، فردا نمی توانند از سیل بنیان برانداز تقاضاهای سیاسی بر توسل به خشونت و تلاش برای مداخله خارجی خود را برهانند.

شاید روزهای پیش روی، اندک فرصتی برای تأمل و تعقل برای اصولگرایان باقی بگذارد. همیشه آسیب زدن و تضعیف جریان رقیب با همه امکاناتی که ناعادلانه در اختیار آنان است، پیروزی تلقی نمی شود؛ این روزها ناکارآمدن نشان دادن دولت مورد حمایت اصلاح طلبان، برد اصولگرایان نیست؛ همچنان که تلاش برای حذف اصلاح طلبان از کشور برای اصولگرایان، ناکامی های بزرگی را پیش پای خواهد گذاشت!

منبع/ تابناک

**برچسب ها:** [براندازی](#) [1]

[اصلاح طلبان](#) [2]

[اصولگرایان](#) [3]